گفت‌وگوی پاسارگاد با رییس آموزش عشایری

۱۴کلاس درس در سیاه‌چادر برگزار می‌شود

عکس: امین ارجمند| پاسارگاد

پاسارگاد

«براساس آنچه که آمار و اطلاعات به ما می‌گوید؛ موضوع ترک‌تحصیل کمرنگ شده و به آن صورت نداریم. مثلا همین امسال دانش‌آموزانی که سال گذشته ششم را تمام کرده بودند، چهار دانش‌آموز از تحصیل جا ماندند. حالا به علل مختلف مثلا ازدواج‌های زودهنگام. بعضی از خانواده‌های عشایری به علت اینکه نمی‌توانند بچه‌شان را به یک مرکز مسکونی برسانند و برگردانند اجازه نمی‌دهند.» این صحبت‌های مجید اسلام‌پناه رییس آموزش عشایری است. اسلام‌پناه در گفت‌وگو با پاسارگاد از مشکلات مدارس عشایری گفت و اینکه از کمک خیران استقبال می‌کنند

چه تعداد دانش‌آموز عشایری در شهرستان سیرجان در حال تحصیل هستند؟

آموزش‌وپرورش عشایری در سال تحصیلی جاری ۶۸ مدرسه یا کلاس ابتدایی دارد که در چهار حوزه یا مجتمع سازمان‌دهی شدند. در این ۶۸ مدرسه حدود ۶۰۰ دانش‌آموز در ۶ پایه ابتدایی تحصیل می‌کنند. این تعداد توسط ۷۳ معلم ابتدایی اداره می‌شوند. معلمان ابتدایی در مدارس عشایری ۶ پایه تحصیلی را تدریس می‌کنند. البته همه‌ی مدرسه‌ها ۶ پایه نیستند اما اکثرا ۳-۴ و ۵ و بعضا ۶ پایه تحصیلی را دارند. آمار دانش‌آموزان مدارس ابتدایی‌مان برای هر مدرسه از سه نفر تا ۱۶ نفر متغیر است. مدارسی که تعداد دانش‌آموزانش از ۲۱ نفر به بالا باشند توسط دو معلم اداره می‌شوند. موضوع دیگری که در مدارس عشایری وجود دارد این است که در آن مناطق دانش‌آموزی که به سن پیش‌دبستانی برسد باز هم توسط همان معلم جذب و ثبت‌نام می‌شود و در طول هفته به‌میزان ۲۰ ساعت یا کمتر پیش‌دبستانی‌ها در مدارس عشایری حضور دارند.

در مقطع متوسطه اول و دوم چندتا مدرسه‌ودانش‌آموز دارید؟

در مقطع متوسطه اول دو دبیرستان شبانه‌روزی داریم که دوره اول شبانه‌روزی دخترانه تربیت در سیرجان است، و ۱۸۰ دانش‌آموز دارد. متوسط اول پسرانه‌مان حدود ۱۰۰ دانش‌آموز دارد که در روستای چاه‌قلعه در کیلومتر ۳۰ جاده بندرعباس قرار دارد. در متوسطه دوم هم دو مدرسه شبانه‌روزی داریم؛ دبیرستان دخترانه شهید انصاری در روستای محمودآباد که حدود ۱۲۰ تا دانش‌آموز دارد و در مقطع متوسطه دوم پسرانه هنرستان فنی شهید شکاری را داریم که در دو رشته برق صنعتی و مکانیک خودرو پذیرای دانش‌آموزان پسر است و حدود ۱۶۰ دانش‌آموز در این دو رشته تحصیل می‌کنند. این هنرستان در مکی‌آباد قرار دارد. از هنرستان آنجا بچه‌های عشایری که خوابگاه، سلف‌سرویس، کلاس آموزشی داشته باشد. از طرفی هم مثلا در روستای چاه‌قلعه سرمایه‌گذاری زیادی شده است و مکان خیلی خوبی است. می‌دانیم که رفت و آمد بچه‌ها سخت است اما اینکه دانش‌آموز از شنبه می‌رود تا چهارشنبه آنجاست آرامش و تمرکز بیشتری برای درس‌خواندن دارد.

ترک تحصیل در دانش‌آموزان عشایری بیشتر از دانش‌آموزان داخل شهر است، مخصوصا برای دختران دانش‌آموز

براساس آنچه که آمار و اطلاعات به ما می‌گوید؛ موضوع ترک‌تحصیل کمرنگ شده و به آن صورت نداریم. مثلا همین امسال دانش‌آموزانی که سال گذشته ششم را تمام کرده بودند، چهار دانش‌آموز از تحصیل جا ماندند. حالا به علل مختلف مثلا ازدواج‌های زودهنگام. بعضی از خانواده‌های عشایری به علت اینکه نمی‌توانند بچه‌شان را به یک مرکز شبانه‌روزی برسانند و برگردانند اجازه نمی‌دهند. در واقع ترک تحصیل در دانش‌آموزان عشایری نسبت به چند سال گذشته کمتر شده و معمولا هر دانش‌آموزی که ۶ ساله ابتدایی را تمام کند خود آموزش عشایری پیگیری می‌کند و تا جایی بتواند او را جذب می‌کند و نمی‌گذارد ترک تحصیل کند.

اگر بچه‌ای اصلا مدرسه نیامده باشد چگونه‌شناسایی می‌شود؟

شناسایی پیش از پیش‌دبستانی اصلا امکان‌پذیر نیست و خیلی کم چنین موارد شاید باشد. هرچند نداریم دانش‌آموزی که اصلا مدرسه نیاید. البته با تاخیر گاهی به مدرسه می‌آیند اما جایی را بلد نیستیم که دانش‌آموزی باشد و مدرسه نیامده باشد. فلسفه‌ی وجودی آموزش و پرورش عشایری همین است، ما الان مدرسه داریم که فقط دو- سه تا دانش‌آموز دارد و یک معلم.

هنوز کلاس‌های درس در سیاه‌چادر برگزار می‌شوند؟

بله ۱۴ مدرسه عشایری کوچ‌رو داریم که ییلاق‌شان اطراف منطقه‌ی بلورد و چهارگنبد و قشلاق‌شان حاجی‌آباد است و کلاس‌های درس‌شان در چادر برگزار می‌شود. همچنین امسال ۸ مدرسه کانکسی داریم.

تعداد دانش‌آموزانی که در سیاه چادر درس می‌خوانند چقدر است؟

تعداد دانش‌آموزان مدارس کوچ‌رو معمولا بین ۲ تا ۵ نفر است.

چندپایه درس دادن معلمان در مدارس عشایری یک ایراد محسوب می‌شود و بسیاری معتقدند به یادگیری دانش‌آموزان آسیب می‌زند؟

در مدارس چند پایه عشایری در مجموع کار معلم سخت است اما این سختی کار مانع از انجام وظیفه نمی‌شود. در سال گذشته کارشناسان آموزش ابتدایی اداره کل آمدند یک بازدید از چند مدرسه داشتند و پس از بازدید حرفی که زدند ما را متعجب کرد چون ما هم فکر می‌کردیم چندپایه بودن روی یادگیری بچه‌ها تاثیر گذاشته باشد اما آن‌ها اعتراف کردند و گفتند درصد یادگیری دانش‌آموزان در مدارس عشایری خیلی بیشتر از مدارس پرجمعیت شهری است. مدرسه عشایری خصوصیت خوبی که دارد این است که اولا آمار دانش‌آموزانش در کلاس پایین است کمتر. کلاسی ۱۵-۱۶ دانش‌آموز دارد و اکثرا بین ۷ تا ۱۰ دانش‌آموز دارند، یک خوبی دیگری که دارد این است معلم وقتی مثلا دارد پایه دوم را تدریس می‌کند دانش‌آموز اولی همزمان با او ممکن است مطلب را بگیرد. یعنی دانش‌آموزان همزمان با پایه خودشان پایه‌های بالاتر را هم یاد می‌گیرند و دانش‌آموزان بالاتر هم به دانش‌آموزان پایین‌تر کمک می‌کنند.

چند معلم عشایری دارید؟

۱۵۱ معلم عشایری داریم که همه‌شان آموزش تدریس در کلاس‌های چندپایه را دیده‌اند. من هفته گذشته بازدیدی از یکی از مدارس عشایری داشتم معلم کلاس کارهایی انجام می‌داد که در مدارس شهر با ۳۰ دانش‌آموز وقت نمی‌کنند چنین کارهایی انجام دهند.

مدارس عشایری مشکل دارند؛ کلاس‌های فرسوده، سقف‌های که چکه می‌کند، اکثرا سرویس بهداشتی ندارند یا اگر دارند بهداشتی نیست، آب بهداشتی ندارند و...

بله، مدرسه داریم در مناطق عشایری که سال مثلا ۶۲ ساخته شده است و هنوز از کلاس همان مدرسه استفاده می‌شود. سرانه‌هایی هم که آموزش و پرورش در اختیار مدارس قرار می‌دهد خیلی ناچیز است. با این حال سعی‌مان بر این بوده سالانه یکی دو تا را بازسازی کنیم. سال گذشته مدرسه‌ای بود در روستای چاه‌گز که به همت دهیاری و یک سری کمک‌های اداره و شرکت‌های معدنی مدرسه بازسازی و به‌روز شد. امسال هم منتظریم اعتباری برسد و بتوانیم این مشکلات را برطرف کنیم.

از لحاظ سیستم گرمایشی هنوز هم خیلی از مدارس عشایری با بخاری نفتی گرم می‌شود؟

در مجموع برای سیستم گرمایشی مدرسه‌ها تا جایی که در منطقه برق داشتیم توانستیم بخاری برقی تهیه کنیم و در حدود ۲۰ تا دستگاه گرفتیم و در اختیارشان گذاشتیم اما بعضی از جاها روستا برق ندارد و هیچ راهی غیر از بخاری نفتی وجود ندارد. تذکرات لازم به معلمان داده شده است و از طرف آموزش عشایری مرتب سرکشی می‌کنند و با آن حواله نفتی که در اختیارشان می‌گذاریم نفت را تهیه می‌کنند و بخاری را روشن می‌کنند. از ۶۸ مدرسه عشایری که داریم ۴۸ مدرسه از بخاری نفتی استفاده می‌کند و فقط ۲۰ مدرسه بخاری برقی دارد. در هر منطقه‌ای امکانات مدرسه باید متناسب با همان منطقه باشد مثلا مردم یک روستا در خانه‌شان از بخاری نفتی استفاده می‌کنند مدرسه ما هم راهی غیر از آن ندارد. می‌گوییم چرا مدرسه آب آشامیدنی مناسب ندارد می‌گوییم روستا آب مناسب ندارد.

نوشته‌هایی از سر دلتنگی

آه، اگر از پی امروز بُوَد فردایی

محمدعلی آزادیخواه

دانشجویی پرسید: «عزیزِ بَلاجِهَت» دُرُست است یا «عزیزِ بی‌جِهَت» و معنی‌ومورد‌کاربُردش‌چیست؟ گفتم شاید به‌صورتِ عزیزِ بلاجَهَت، لَهجه‌یِ اُستانِ کرمانی‌ها باشد. در فرهنگ لغات واصطلاحاتِ مردم کرمان سیدابوالقاسم پورحسینی همین جور آمده و در کتاب «گویش مردم سیرجان مهری مویدمحسنی» نیز به همین شکل ضبط شده است. در «فرهنگ فارسی شش جلدی دکتر معین» زیر واژه‌ی «عزیز»، «عزیزِ بی‌جهت» آمده است با معنیِ «کسی که خود را به غلط محبوب دیگران پندارد.» در کتاب «کوچه‌ی احمد شاملو»، عزیز بی‌جهت ثبت‌شده به معنی «آنکه بی‌سبب خود را موردِ نهایتِ محبّتِ کسی شمارد.» در «فرهنگ لغات عامیانه و معاصر»، تالیفِ دکتر منصور ثَروَت و دکتر رضا اَترابی نژاد هم همان شکل و معنیِ فرهنگ دکتر محمد معین آمده است. در «فرهنگ فارسی عامیانه»ی دکتر ابوالحسن نجفی، نوشته شده است: «عزیز بی‌جهت که به غلط محبوب دیگران شده باشد (یا خود را محبوبِ دیگران پندارد)» و بلافاصله شاهدی از کتاب «حاجی آقا»ی «صادق هدایت» آورده است که: «اگر توی دنیا پول داشته باشی، افتخار، اعتبار، شرف، ناموس و همه چیز داری، عزیز بی‌جهت می‌شوی.»

دانشجو، لبخندی زد و گفت: «مرحوم هدایت، اگر زنده بود حالا چه‌می‌نوشت.

گفتم: اگر می‌خواست سَرِ سالمی به گور ببرد، می‌بایست از قول حضرت حافظ، بیتی که موجب نجات حضرت حافظ شد و مرتّب آن را قبل از خودکشیش بی‌پروا به زبان می‌آورد، به بیت مقطع غزل حافظ اضافه کند. گفت: «من قضیه‌اش را نمی‌دانم.»

گفتم: مخالفت بی‌هنران با اهل هنر، فرهنگی است که متاسفانه از دیرباز اهل قلم گرفتارش بوده‌اند و هستند. می‌گویند وقتی حافظ غزل مشهورش را با این مطلع سرود: «در همه دیرِ مغان نیست چو من شیدایی/ خرقه جایی گرو باده و دفتر جایی، در مقطع (بیت آخر) غزل فرمود: «اگر مسلّمانی از این است که حافظ دارد/ آه، اگر از پیِ امروز بُوَد فردایی!» یکی از این تازه به‌دوران رسیده‌های خودمحورْبین و خودهمه‌کاره پندار، پیشِ سلطانِ متعصّب و متظاهر وقت سِعایَت (سخن‌چینی، بدگویی) کرد که حضرت حافظ در مصراعِ دوم بیتِ آخرِ غزلش (آه، اگر از پی امروز بُوَد فردایی!)، روز رستاخیز (قیامت، معاد) را از اصول اصلی دین مقدسمان است به قید شک و تردید نگریسته و تلویحا (به اشاره) به اذکارِ معاد قیام کرده است. سلطان چنان خشمگین شد که دستورِ قتل حضرت حافظ را صادر کرد.

تصادفا عارف بزرگی به نام «زین‌الدین ابوبکر تایبادی»، آن روزها در ضمنِ سفر، به شیراز آمده بود. حضرت حافظ راه چاره را از او پرسید. «زین‌الدین» گفت: «بیتی در مَقْطَعِ غزلِ اضافه کن و طوری که مراد نقلِ قول باشد و «نقلِ قول، کفر هم نیست.» در نتیجه حافظ بیتی قبل از بیت آخرِ غزل اضافه کرد و از مَهلکه نجات یافت و آن بیت این است: این حدیثم چو خوش آمد که سحرگه می‌گفت/ با دَف و نی بر دَرِ میکده‌ای ترسایی: «گر مسلمانی از این است که حافظ دارد/ آه، اگر از پی امروز بُوَد فردایی!» و در حافظِ خطیبِ رَهبر (دکتر خلیلِ خطیبِ رَهبر، استاد دانشگاه تهران)، این دوبیت را چنین معنی کرده است: «این سخن مرا دلپذیر افتاد که هنگام سحر راهب ترسایی (مسیحی، عیسوی)، بر در میخانه به سرزنش می‌گفت: اگر آیین اسلام از این گونه است که حافظ اظهار می‌کند، افسوس ندانم، اگر فردای قیامتی باشد، پاسخ باده‌گساری امروز را چه خواهد داد.

روی خط

پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۴۸۰۶

به گوش مسئولان برسانید پس دادن طرح حمایت معیشتی به قشر بی‌درآمد و فقیر چی شد؟ فقط همان یک دفعه شد؟ ۲۰۵۲

از برادران راهنمایی و رانندگی تقاضا داریم که نسبت به ساماندهی خیابان ولی‌عصر از چهارراه جانبازان تا چهارراه خواجو از ساعت ۱۶ بعدازظهر تا ساعت ۲۱ اقدام کنند. چون که ترافیکی بزرگ شکل می‌گیره به خاطر دوبله پارک کردن ۰۸۷۳

از اساتیدی که تعلیم رانندگی می‌دهند تقاضا دارم که اول تا شاگردشان واقعا رانندگی یاد نگرفته خداوکیلی قبول‌شان نکنید. چون که هر اتفاقی بیفته اول از همه میگن خدا خیره نده به کسی که بهش گواهینامه داد و دوم اینکه آداب رانندگی را به شاگردان‌شان یاد بدهند تا در موقع تصادف باعث نشود درگیری به وجود بیاد ۰۷۸۳

مدیران گل‌گهر، خودتان فکر کنید: آیا درسته که بروید در شهرهای دیگه سرمایه‌گذاری کنید در حالی که ورودی شهر جاده شیراز آسفالتش مشکل داره و چند ساله که تیره چراغ برق گذاشتن ولی خبری از دسته چراغ نیست و تا حالا چند کشته و چقدر برخورد ماشین با جدول‌های این بلوار به وجود آمده. به فکر این جاده باشید تا آبروی شهر صنعتی‌مان نرفته ۰۷۸۳

باز هم بودجه و باز هم کم‌توجهی به حقوق کارمندانی که حداقل حقوق را می‌گیرند. تا کی باید کارمندانی که حقوق دریافتی آنها بین ۲/۵ تا ۳ میلیون در ماه است مورد کم‌توجهی قرار گیرند؟ آیا افزایش ۱۵ درصدی حقوق این قشر همسان کسانی است که حداقل حقوق‌شان بالای ۲۰ میلیون است؟ بی‌عدالتی نیست؟ این درصد افزایش حقوق که در مجلس تصویب و دولت و سازمان برنامه‌وبودجه ظلم شما و مجریان به کارمندان است نه ظلم بیگانگان. پس فرق بین شما و بیگانگان چیست؟ ۰۱۱۴

بسیار زشت است برای شهرستانی که چندین معدن دارد که اوضاع خیابان‌هایش این قدر چاله چوله‌های خراب داشته باشد و موقع بارندگی رفت‌وآمد اینقد مشکل باشد... ۶۰۱۹

فسخ قرارداد پل‌های عابر پیاده

اجرای قانون یا تسویه حساب

پاسارگاد

هفته گذشته شورای شهر تصمیم به فسخ قرارداد پل‌های عابر پیاده گرفت. این خبر به صورت محدود در برخی از نشریات و کانال‌های فضای مجازی منتشر شد اما بازتاب چندانی نیافت و علت این تصمیم نیز مشخص نشد. این در حالی‌ست که ابعاد این ماجرا بسیار گسترده‌تر از فسخ عادی یک قرارداد است.

فسخ این قرارداد با رجوع به یکی از بندهای قرارداد اجرایی شد؛ آن‌جا که ذکر شده در صورت بروز اختلاف بین شهرداری به‌عنوان کارفرما و شرکت پیشروسازان برتر به‌عنوان پیمانکار، شورای شهر حَکَم خواهد بود. گویا همین بند موجب شده که دادگستری به شهرداری سیرجان اعلام کند، مرجع تصمیم‌گیری شورای شهر است و طرفین مجبور به پذیرش حکمیت شورا هستند. شورای شهر نیز در جلسه عصر دوشنبه گذشته، با ۴ رای موافق در مقابل ۲ رای مخالف و در غیبت یکی از اعضا، با اکثریت آرا رای به فسخ قرارداد داد اما این تازه اول ماجرا است. مهم‌ترین بخش ماجرا، بخش مالی آن است. مطابق قرارداد پیمانکار موظف به تکمیل پل‌ها و نصب پله بوده و پس از آن، حق داشته تا ۱۰ سال و نیم از تبلیغات روی پل‌ها بهره ببرد که هشت سال و نیم مورد بهره‌برداری قرار گرفته. این نکته در حالی‌ست که عملا برخی از پل‌ها کامل نشدند. بنابراین گویا شهرداری مدعی است که بهره‌برداری تبلیغاتی پیمانکار از پل‌ها تخلف بوده است. از دیگر سو پیمانکار بارها برای نصب پله‌ها اعلام آمادگی کرده و رفع مشکلات اداری و محیطی نصب را بر عهده شهرداری دانسته است.

پشینه پل‌های عابر پیاده

انعقاد قرارداد پل‌های عابر پیاده به سال ۱۳۹۰ و زمان مهدی عارفی‌نسب برمی‌گردد. ۲۵ بهمن ماه سال ۱۳۹۰ بود که اجرای پل‌های عابر پیاده به مناقصه گذاشته شد و تنها یک شرکت در مناقصه حاضر و برنده شد؛ شرکت پیشروسازان برتر به مدیریت محمدرضا عرب گوییني. مطابق قرارداد منعقد شده، عرب گوییني متعهد شده بود پل‌های عابر پیاده را در نقاطی که شهرداری تعیین کرده، ساخته و نصب کند و در مقابل به مدت ۱۰ سال و ۶ ماه، بهره‌برداری از تبلیغات روی پل به او واگذار گردد. مطابق قرارداد پس از پایان این مدت، سازه‌ها به شهرداری واگذار خواهد گردید اما این پل‌ها از همان اولین روز حاشیه‌ساز بودند.

اولین حاشیه مربوط به خود قرارداد بود. برخی اعضای ادوار مختلف شورا همیشه جزو مخالفان این قرارداد بودند. قراردادی که اسماعیل خواجویی در گفت‌وگو با پاسارگاد از آن به‌عنوان «قرارداد ترکمنچای گونه» یاد می‌کند. عرب گوییني در آن زمان گفته بود بیش از یک میلیارد تومان هزینه ساخت پل‌ها شده و توقع داشت این مبلغ به علاوه سود آن را ظرف مدت ۱۰ سال و نیم بهره‌برداری تبلیغاتی به دست آورد. در مقابل عده‌ای معتقد بودند سود عرب گوییني بسیار بیشتر از سود منطقی و عادلانه است. آن‌ها معتقد بودند در این معامله شهرداری ضرر کرده است. مورد دیگر مناقشه، پل نصب شده در چهارراه اشکذری بود که به دلایل مختلف هرگز به بهره‌برداری نرسید. مشکل این‌جا بود که هیچ دلیل موجهی برای احداث پل در این چهارراه کوچک وجود نداشت. بنا به گفته یک منبع موثق، معبر زیر ۲۰ متر اشکذری نیازی به احداث پل نداشته و از همان ابتدا بلااستفاده ماندن پل توسط عابران محرز بوده. همچنین در مواقعی که می‌توان با استفاده از چراغ راهنمایی، امکان ایجاد عبور بی‌خطر برای عابران را ایجاد کرد، دلیلی برای احداث پل نیست. همچنین کم عرض بودن معبر پیاده‌رو در این چهارراه، از همان ابتدا نشان می‌داد امکان نصب پله برای آن وجود ندارد. بنابراین چرا باید شهرداری پل را در مکانی جانمایی می‌کرد که از همان ابتدا معلوم بود اجرایی نخواهد شد؟

در حقیقت موقعیت پل بدون استفاده چهارراه اشکذری به گونه‌ای بود که برخی معتقد بودند این پل قادر است به تنهایی هزینه‌های پیمانکار را جبران کند. در حقیقت پل چهارراه اشکذری را می‌توان هدف غایی از قبول و انعقاد این قرارداد دانست. شهرداری نیز ضمن دفاع از جانمایی پل اشکذری، اذعان داشت نصب پل در این محل نقش مهمی در جذب پیمانکار داشته و در طرف دیگر عرب گوییني در مصاحبه‌های خود، تاکید می‌کرد شرکت متبوع وی هیچ‌نقشی در جانمایی پل نداشته و تنها به دستور شهرداری عمل کرده.

با رفتن مهدی عارفی‌نسب از شهرداری و عدم همکاری برخی از شهرداران بعدی، حواشی پل‌ها هر روز بیشتر شد. از عدم نصب تعدادی از پل‌ها تا بستن یکی از پل‌ها به نشانه اعتراض توسط پیمانکار و همچنین ماجرای قطع ناگهانی درختانی که جلوی دید تابلوهای تبلیغاتی را گرفته بودند که هرگز عامل آن پیدا نشد.

ماجراهای شورا

دوران حضور عرب گوییني در شورا با انتخاب شهردار فعلی همزمان گشت. این دو در در مدت مسندداری خود بارها در مقابل یکدیگر ایستاده بودند و به همین دلیل، عده‌ای معتقدند فسخ قرارداد پل‌ها نه به دلیل اجرای قانون که به خاطر تسویه حساب شهردار با این عضو سابق شورا صورت گرفته است.

نظر اعضای شورا

ابوذر زینلی در این مورد به پاسارگاد می‌گوید: «عدم کارآیی پل‌ها». زینلی شایبه انتخاباتی بودن یا تسویه حساب در فسخ قرارداد را نمی‌پذیرد و می‌گوید: «ما هر زمانی این کار را انجام می‌دادیم، چنین حرف‌هایی زده می‌شد.» او می‌گوید ماجرای فسخ قرارداد از چند ماه پیش آغاز شده و این طرح مدت‌ها در کمیسیون عمران شورا مورد بررسی قرار گرفته است. او می‌گوید که شهرداری از زمان جمع کردن پل چهارراه اشکذری به دنبال این موضوع بوده اما روند کار طولانی است.

اسماعیل خواجویی دیگر عضو موافق فسخ قرارداد معتقد است: «این قرارداد از نظر فنی دچار مشکل بوده و بعضی از کارها هم انجام نشده است.» از جمله موارد اشکال که خواجویی به آن اشاره می‌کند، «نبود تاریخ آغاز بین برای مدت ۱۰ سال و نیم تبلیغات» است. هرچند خواجویی معتقد به رفع مشکلات قرارداد نیز هست تا نشان دهد که از بیخ، مخالف قرارداد نیست.

طاهره جهانشاهی دیگر عضوی است که به فسخ قرارداد رای مثبت داده اما رای او شرطی است: «به آقای سروش نیا هم گفتم که قرارداد جدیدی بسته شود که مشکلی نداشته باشد. تاریخ آغاز و پایان باید در قرارداد دیده شود. به هر حال آقای عرب گوییني نیز هزینه کرده و اگر درآمدی هم داشته، نوش جانش اما باید شرایط قرارداد روشن و بدون ابهام بسته شود.»

حسن خدامی که از مخالفان فسخ بوده، حاضر به پاسخگویی نشد اما امین صادقی؛ رییس شورای شهر که جزو مخالفان بوده، به پاسارگاد می‌گوید: «دلیل مخالفت من این بود که به نظرم باید برای چنین بحث مهمی بیشتر وقت گذاشته می‌شد. باید بیشتر مسایل را بررسی می‌کردیم تا مشکلی پیش نیاید. همچنین باید شرایطی فراهم می‌شد که هر دو طرف قضیه، یعنی شهرداری و نماینده پیشروسازان برتر نیز حضور پیدا می‌کردند تا نظرات را بشنویم و بهتر تصمیم بگیریم.»

صادقی نگران است که پس از فسخ قرارداد، شرکت پیشروسازان شکایت کند و شهرداری نتواند در دادگاه پیروز شود: «مطابق قرارداد، شورا بین شهرداری و شرکت حکمیت داشت اما وقتی قرارداد را فسخ کرد، خود به خود مفاد قرارداد نیز فسخ می‌شود؛ یعنی پس از فسخ قرارداد، دیگر شورا حکمیت ندارد و شرکت می‌تواند شکایت کند.»

صادقی به نکته جالبی در مورد یکی از ابهام‌های قرارداد اشاره می‌کند: «آقای عرب گوییني می‌گوید قرارداد از وقتی جاری می‌شود که پله پل‌ها نصب شود اما شهرداری می‌گوید چون قبل از زدن پله و تکمیل پل‌ها، پیمانکار استفاده تبلیغاتی کرده، مرتکب تخلف شده است.»

شایبه ارتباط میان فسخ قرارداد پل‌ها با انتخابات، سؤال مشترکی است که از اعضای شورا می‌پرسیم. پاسخ جملگی منفی است. یکی دیگر از نکات مبهمی که از اعضای شورا می‌پرسیم، در مورد استفاده کاندیداهای انتخابات از تبلیغات پل‌ها است. پاسخ اعضا در این مورد نیز منفی است و برخی بر تخلف بودن این حرکت تاکید دارند. امین صادقی در این مورد توضیح مفصل‌تری می‌دهد: «اگر شهرداری اجازه استفاده از پل‌ها را به دست بیاورد، حق ندارد به نفع یا ضرر کاندیدایی تبلیغات کند. از طرف دیگر، انجام تبلیغات مطابق قانون منوط به داشتن شرکت تبلیغاتی است و شهرداری چنین شرکتی را ندارد. بنابراین باید تبلیغات روی پل‌ها را بین شرکت‌های تبلیغاتی به‌مزایده بگذارد.

شهرداری پیروز می‌شود؟

متاسفانه برای تهیه این گزارش، موفق به گفت‌وگو با محمدرضا عرب گوییني نشدیم. از دیگر سو واحد حقوقی شهرداری نیز اعلام کرد شهردار اجازه گفت‌وگو با نشریات را نداده است. تلاش ما برای ملاقات با شهردار با ممانعت مسئول دفتر وی روبرو شد و شهردار حتا پاسخ پیامک ارسالی از طرف ما را نیز نداد.

از دیگر نکات مطرح شده در ماجرا، احتمال ادعای خسارت توسط شهرداری با استناد به مفاد قرارداد است. شهرداری معتقد است پیمانکار به صورت غیرقانونی ۸ سال و نیم از پل‌ها بهره‌برداری تبلیغاتی کرده و این مبلغ باید محاسبه و به حساب شهرداری واریز گردد. طرح ادعای خسارت، اذعان به این نکته است که مدیران ادوار شهرداری در ۸ سال و نیم گذشته شاهد تخلف پیمانکار بودند و اقدامی انجام ندادند. بر همین اساس، شوراهایی که در این هشت سال و نیم حضور داشتند نیز به دلیل عدم پیگری موضوع، مرتکب اهمال در حفظ اموال عمومی شده‌اند. در حقیقت شهرداری برای اثبات تخلف عرب گوییني ناچار است اهمال خود را ثابت نماید. بنابراین به نظر می‌آید شهرداری در طرح شکایت روند دیگری را در پیش بگیرد اما آن‌چه که مسلم است، این است که اتخاذ راهکار توسط شهرداری و همچنین شفاف‌سازی ماجرا تنها راهی است که نشان خواهد داد فسخ قرارداد پل‌ها به دلیل اعمال و اجرای قانون است یا یک تسویه حساب شخصی؟

شهردار سیرجان عنوان کرد:

پایانه مسافربری، گامی موثر در راستای توسعه حمل و نقل کشور

غرفه‌های پایانه، طی روزهای آینده واگذار می‌شود

شهردار سیرجان از بهره‌برداری و افتتاح بزرگترین پایانه مسافربری جنوب شرق کشور طی ماه آتی خبر داد.

به گزارش واحد خبر مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان، رضا سروش‌نیا با اعلام این خبر گفت: «پایانه مسافربری در حوزه سیستم حمل و نقل کشور نقش مهمی در عملکرد آن ایفا می‌کند و با توجه به این نقش مهم پایانه و هزینه‌های کلان برای طراحی و احداث آن، تعیین مکان مناسب پایانه مبتنی بر عوامل مشخص و مورد نظر با استفاده از شیوه‌های عملی اهمیت به سزایی دارد. ضمن اینکه هم‌اکنون با پیشرفت فیزیکی ۹۵ درصدی پایانه، غرفه‌ها طی هفته آتی به متقاضیان واگذار خواهد شد».

وی افزود: «سیرجان از دیرباز به عنوان یکی از شهرهای مهم، مهاجرپذیر و شاهراه اصلی شمال به جنوب کشور از نظر راه‌های ارتباطی و استراتژیک از جایگاه بالایی برخوردار بوده و در این راستا پایانه مسافربری از نظر حمل و نقل و ترافیک در شهرها با توجه به جذب و تولید نسبتا زیاد سفرهایی که پایانه دارند، اثر به سزایی بر روی سیستم حمل و نقل شهری دارند».

شهردار سیرجان بیان کرد: «پایانه نخستین مکانی است که یک گردشگر و مسافر از آنجا وارد شهر می‌شود و ذهنیت آن مسافر نسبت به یک شهر در همین پایانه ورودی شهر شکل می‌گیرد. به همین دلیل وجود زیبایی بصری پایانه و وجود امکانات مناسب در آن ضروری است».

در ادامه این موضوع رامین یگانه معاون فنی و شهرسازی شهرسازی شهرداری سیرجان در خصوص مسایل فنی پایانه مسافربری بعثت تصریح کرد: «پایانه مسافربری بعثت در زمینی به مساحت ۳ هزار و پانصد مترمربع ساخته شده که دارای امکاناتی از قبیل نمازخانه، استراحتگاه رانندگان، سالن انتظار، سرویس بهداشتی، باجه پستی، انتظامات، تجاری، گیشه فروش بلیط، اتاق مدیریت تعاونی، آبدارخانه، لابی، انبار، کافی‌شاپ، رستوران و واحدهای اداری احداث و به زودی به بهره‌برداری می‌رسد».

وی گفت: «با ساخت این پایانه، ناوگان مسافری و شرکت‌های حمل و نقل مسافربری ساماندهی و مسافران از امکانات و آسایش بیشتری برخوردار می‌شوند و از بار مشکلات حمل و نقل شهر کاسته خواهد شد».

معاون فنی و شهرسازی شهرسازی شهرداری سیرجان با اشاره به اینکه پایانه مسافربری یکی از نیازهای اساسی و ضروری هر شهری محسوب می‌شود، یادآور شد: «با توجه به سرمایه‌گذاری شهرداری سیرجان در این بخش باید از این فرصت در راستای توسعه حمل و نقل عمومی کشور استفاده کرد و رانندگان نهایت همکاری را با مدیریت پایانه مسافربری بعثت در راستای نظام اجتماعی شهر داشته باشند».